

یادگار مادر بزرگها



فاطمه شیخ محسنی
آموزگار مدرسه‌ی استثنایی،
قلید فارس

معلمان همواره در پی یافتن راهی برای تدریس بهتر و مؤثرتر بوده‌اند. همه‌ی آنان به این نکته معترف‌اند که برای آموزش مناسب و مؤثر، مهم‌ترین قدم، ایجاد رابطه‌ای مطلوب با کودکان است.

یکی از مسائل موردتوجه در این روزها که می‌تواند بین کودک و مربی‌اش ارتباط برقرار کند، انتقال میراث فرهنگی مثل آداب و رسوم یا صنایع‌دستی است. درگیر کردن و شناساندن این موضوعات به کودک باعث

می‌شود شکاف بین نسل‌ها از بین برود و بچه‌ها راحت‌تر وارد دنیای بزرگسالان شوند. «عروسک‌ها» یکی از این دست‌سازها هستند که در این مسیر می‌توانند یاری‌رسان باشند.

دیرزمانی است که عروسک در زندگی بشر حضور دارد. از آن هنگام که انسان پیکره‌ی خویش را با مواد اولیه مانند گل و چوب ساخت، اولین عروسک‌ها شکل گرفتند. کودک برای شناخت خویش و رابطه‌اش با دنیا به عروسک نیاز دارد. کودکی که تازه متولد شده است با دنیایی کاملاً ناشناخته روبه‌روست. او به‌طور ناخودآگاه برای ادامه‌ی حیات، با ولعی کم‌نظیر، به کسب اطلاعات و شناخت پیرامون خویش مشغول می‌شود. این کنجکاوی کودک و اصرارش برای گرفتن و لمس اشیا از سر تفنن و بازیگوشی نیست؛ بلکه به‌منظور شناخت است. این شناخت برای او حیاتی است و ما می‌توانیم از کنجکاوی کودک و علاقه‌ی او به یادگیری و توجه خاصش به عروسک برای آموزش

هدف‌دار بهره بگیریم. امروز به تجربه ثابت شده است که استفاده از نمایش عروسکی برای آموزش غیرمستقیم تأثیر بیشتر و پایدارتری بر ذهن کودکان دارد. علت آن این است که عروسک تمرکز کودک را به‌شدت به خود جلب می‌کند. کودک با تمام وجود به پیام‌های عروسک گوش می‌دهد و با دقت رابطه‌ی بین عروسک‌ها را دنبال می‌کند. سرانجام قصه‌ی نمایش اثری عمیق و پایدار روی ذهن او می‌گذارد (کریمی، ۱۳۸۱).

همواره در دل تاریخ، شهرها و مناطق متعدد ایران عروسک‌های خاص خود را داشته‌اند تا جایی که اگر دست‌سازهای نیاکانمان را بشماریم، به بیش از ۲۵۰۰ نوع عروسک گوناگون برمی‌خوریم. هرچند که تاکنون هیچ یک تبدیل به یک نام‌نما (برند) حتی در سطح ملی نشده‌اند. عروسک‌ها یکی از وسایل انتقال فرهنگ بین اقوام و همچنین از بزرگسالان به کودکان هستند. عروسک‌ها همچنین فرهنگ یک جامعه را با خود





به نام میراث فرهنگی حساس کنیم تا آنها در پی جمع‌آوری آداب‌ورسوم، داستان‌ها و هر چیزی که می‌تواند در فهرست میراث فرهنگی قرار بگیرد، باشند.

شما همکار گرامی،

آیا در شهرتان عروسک، بازی محلی، داستان، اسباب‌بازی و هر چیزی که به دنیای کودکی مرتبط باشد دارید که داستان اجدادتان را برایتان بازگو کند؟

اگر تاکنون چنین چیزی برایتان آشنا نبوده است، پیشنهاد می‌کنم جست‌وجو کنید و این میراث باارزش را از دل دوران گذشته بیرون بکشید تا برای نسل‌های بعد باقی بماند.

منابع

۱. کریمی، ماندانا، ۱۳۸۱، «دنیای عروسک‌ها؛ نقش عروسک در آموزش کودک»، عشق سوم: مجموعه مقالات تخصصی پیرامون مسائل کودکان و نوجوانان، به کوشش چیستا یثربی، ج ۱، تهران: نشر نامیرا، ص ۸۸-۸۴.
۲. نیکویی، آزاده، ۱۳۹۵، بررسی اهمیت عروسک سنتی معاصر ایران با رویکرد به نظریه‌ی شیء‌گذاری وینی‌کات، نخستین همایش بین‌المللی هنر و صناعات در فرهنگ و تمدن ایرانی اسلامی با تأکید بر هنرهای رو به فراموشی، اصفهان: <https://civilica.com/doc/527418>
۳. مؤمن زاده، شبنم و مهدوی حاجیلویی، مسعود، ۱۳۹۶، تأثیر اشاعه فرهنگ عروسک‌سازی بر اشتغال زنان و توسعه اقتصادی نواحی روستایی مطالعه موردی عروسک‌های بومی سنندج، سومین کنفرانس بین‌المللی علوم زمین و توسعه شهری و اولین کنفرانس هنر، معماری و مدیریت شهری، تهران، <https://civilica.com/doc/688500>

گسترده آغاز شد که دو سال به طول انجامید. ما توانستیم از دل تاریخ کهن این شهرستان یادگاری را که مادر بزرگ‌ها برای فرزندان خود باقی گذاشته بودند بیابیم. آن میراث کهن «عروسک گردویی» بود.

شهرستان اقلید باغ‌های گردوی فراوانی دارد. عروسک گردویی عروسکی بود که در فصل برداشت محصول با استفاده از گردو و برای تشویق کودکانی که به همراه بزرگ‌ترها به جمع‌آوری محصول می‌پرداختند ساخته می‌شد.

در این تحقیق سه نوع متفاوت عروسک گردویی را پیدا کردیم و آن را برای ثبت به اداره‌ی میراث فرهنگی استان ارائه دادیم. پس از ثبت این عروسک تصمیم گرفتیم به معرفی آن به مردمی بپردازیم که در لابه‌لای زندگی جدید و روزمره این میراث را به فراموشی سپرده بودند. همچنین خواستیم این مهمان کهن را به اسباب‌بازی‌های رنگارنگ کودکان اقلیدی بازگردانیم. پس سعی کردیم با حفظ اصالت این اثر فرهنگی و اضافه‌کردن جلوه‌هایی برای جذابیت بیشتر، آن را به کودکان عرضه کنیم.

اما مهم‌ترین مسئله‌ای که به آن رسیدیم این بود که کودکان و دانش‌آموزان را به مسئله‌ای

در تاریخ جا به‌جا می‌کنند. اما زمانی که شیوه‌ی ساخت آن‌ها فراموش شود و حتی در خانه‌های مردم همان جامعه هم جایی نداشته باشند، یعنی مردم در پی تغییر فرهنگ خود هستند.

عروسک‌های دست‌ساز سنتی بخشی از قدیمی‌ترین میراث بشرند. آن‌ها در مراحل گوناگون زندگی انسان و با پذیرفتن نقش‌های متفاوت از قبیل تندیسک، طلسم یا اسباب‌بازی او را همراهی کرده‌اند. متأسفانه بیشتر نمونه‌های عروسک سنتی و بومی ایران در حال منسوخ‌شدن هستند (نیکویی، ۱۳۹۵).

ساخت عروسک‌ها توسط مادران و مادر بزرگ‌های یک قوم یا یک جامعه‌ی محلی از ایجاد گسست نسلی می‌کاهد (مؤمن‌زاده، ۱۳۹۶).

من و همکارانم در مجموعه‌ی آموزش و پرورش شهرستان اقلید در پی یک کارگاه آموزشی ویژه‌ی مربیان پیش‌دبستانی با مفهومی به اسم عروسک بومی و محلی آشنا شدیم و به اهمیت و نقش آن در انتقال میراث فرهنگی پی بردیم. با خود اندیشیدیم آیا گذشتگان ما در شهر اقلید چنین میراثی را برای ما به‌جا نگذاشته‌اند؟ بدین منظور تحقیق و پژوهشی